

نوشته شده است تاریخ مزبور است از آن گذشته تاریخ مردان نامی شرق است که باره مطالب میمه تاریخی آن از همان کتاب میرزا لطف الله اخذ شده است. تألیفات مستشرقین اروپائی :

- ۱ - تاریخ انقلاب ایران تألیف پروفسور ادوارد پرون شرق شناس انگلیسی
- ۲ - کوردن در خرطوم تألیف ویلفرد بلنت انگلیسی .
- ۳ - زندگی جمال الدین افغانی در دائرة المعارف اسلامی بوسیله کلمه زینور مورخ مشهور آلمانی

با اهمیتی که در اختیار این مشروح داشت باز هم سخن طولانی و مفصل شد چون مطالب راجع بزندگان یکنفر از بزرگان مملکت است امید است قارئین کرام برنگارنده خرده نگیرند زیرا مختصر تر از این نمی توان شرح حال این فیلسوف عظیم الشان اسلامی را نوشت .  
از اسد آباد - نوبه آذرماه ۱۳۱۰ - صفات الله جمالی

## ﴿﴾ شیخ محمود شبستری ﴿﴾

بقلم میرزا محمد علی خان تهرانی

قطب المحققین سعدالدین حضرت شیخ محمود بن عبدالکریم بن  
یحیی الشبستری التبریزی

ارباب تذکره تواریخ هر یک بنوبه خود شرح حال مجملی از حضرت شیخ نوشته اند مختصر آنها آنست که مشارالیه اعرف عرفای آذربایجان و اشهر مشایخ آن سامان بوده در ایام سلطنت کیخسروخان در قصبه شبستر تولد یافته و در عهد سلطان محمد خدا بنده و ابوسعید بهادرخان در شهر تبریز مرجع علماء و فضلاء بوده است و نظر بروایات عرفات در سال ۷۱۸ و شاهد صادق در ۷۱۹

وهفت اقلیم در ۷۲۵ رحلت کرده و مرقدش در آن قصبه وسط باغچه موسوم بگلشن  
پهاوی مرقد استادش بهاء الدین یعقوب تبریزی در تحت گنبدی قرار گرفته و الحال  
زیارتگاه عموم می باشند .

صحه و مقابر مشارالیهما بمرور زمان ریخته و خراب شده بود حاجی میرزا  
آقاسی مرحوم در اواخر عمر تحدید عمارت کرده و در سنه ۱۲۶۷ دو قطعه مرمر  
بزرگ در روی هر قبری نصب کرده و در آنجا نقر کرده اند که شیخ بزرگوار  
در سنه عشرین و سبعماتة در سن سی و سه سالگی از این دار فانی بعالم جاودانی  
رحلت فرموده اند و در تاریخ ۱۲۹۷ میرزا حسین خان سپهسالار که به پیشکاری  
ایالت آذربایجان رفته دوباره آنجا را تعمیر و مرمت نموده و در این اواخر  
میرزا حسن خان مقدم نیز از نو تعمیر و اصلاح خرابی های آن را کرده است .  
مولانا غالب اوقات خود را در سیر و سیاحت گذرانیده و بسیاری از علماء  
و کملین آن عصر را ملاقات کرده و با آنها مراد و مکاتبه داشته است و بنا بر روایت  
سیاح شروانی بصوب کرمان نیز تشریف برده و در آنجا تأهل کرده و اولاد  
واحفادی از او بوجود آمده و جمعی از ایشان ارباب قلم و اهل کمال بوده و بعنوان  
خواجگان شهرت یافته اند

شیخ بزرگوار کتب زیادی تألیف کرده یکی از آنها مثنوی سعادتنامه اوست  
در سه هزار بیت و منقسم بهشت باب و هربابی مشتمل است بر فصول و حکایات و  
تمثیلات و این نگارنده نصف اول آن رساله را دیده و دارم بدین ترتیب . الباب الاول فی معرفة  
ذات واجب الوجود . الباب الثانی فی صفاته الحقیقیه . الباب الثالث فی اسمائه تعالی و تقدس  
الباب الرابع فی حقیقه الخیر . و اول کتاب اینست :

حمد و فضل خدای عز و جل هست بر بنده واجب از اول

ایات ذیل را که در وصف حال خود گفته از آنجاست :

مدتی من ز عمر خویش مدید      صرف کردم بدانش و توحید  
 در سفرها چه مصر و شام و حجاز      کردم آیدوست روز و شب تکتاز  
 سال و مه همچو دهر می گشتم      ده و ده شهر و شهر می گشتم  
 علما و مشایخ این فن      بسکه دیدم بهر نواحی من  
 جمع کردم بسی کلام عجیب      کردم آن گه مصنفات عجیب  
 از فتوحات و از فصوص حکم      هیچ نگذاشتم نه یش و نه کم

مولانا در این مثنوی پنج نفر از مشاهیر عرفای اواخر قرن ششم آذربایجان و شمه از اقوال آنها را ذکر کرده و آن پنج نفر اینها هستند : بابا حسن سرخابی ، بابا فرج و ایقانی ، خواجه محمد کججانی ، خواجه عبدالرحیم تبریزی ، خواجه صابن الدین تبریزی . و از جمله تألیفات او رساله حق الیقین فی معرفه رب العالمین است مشتمل بر هشت باب مختصر و مفید در فوائد و حقائق تصوف و اولش اینست ای پیدتر از هر پیدائی ، وی آشکار تر از هر هویدائی . پیدائی تو با پنهانی سازگار و پنهانی تو چون پیدائی آشکار . نه پیدائی تو از پیدائی زمان و نه پنهانی تو از پیدائی کران . ای هستی که هیچ نیستی در هستی تو فرو نیاید و هیچ نیستی هستی ترا نشاید . نسبت هستی تو با هستی ها (کل یوم هو فی شأن) و نسبت نیستی ها با هستی تو (کل من علیها فان) . یگانگی تو درازل و ابد یک قرار منزله و مبرا از اضافه و نسبت اندک و بسیار . آن کیست ترا داند تا بر تو ثنا خواند هم سپاس تست که بر جناب تو بر کار است و هم ستایش تست که ترا سزاوار است .

و از جمله تألیفات مولانا ترجمه منهاج العابدین امام غزالی است و رساله مرآت المحققین را نیز بعضی بوی منسوب داشته اند و آن در تاریخ ۱۲۸۳ در طهران چاپ شده است . صاحب مجالس العشاق رساله بعنوان شاهد نامه نیز در

بیان عشق معشوق و عاشق بوی منسوب داشته است .

در همت اقلیم گفته شده ( شیخ محمود شبستری و حیدر فیدعصر خود بوده از علوم ظاهری و باطنی بخشی تمام و نصیبی وافر داشته چنانچه اشعار گلشن راز بر احوالش شاهدهی مبرهن و گواهی صادق است ) .

مثنوی گلشن راز زبده تالیفات مولانا شبستری است و آن عبارت از جواب هائی است که در مقابل سئوالات هفده گانه حضرت امیر حسین متخلص به حسینی منظوم فرموده و هر سئوالی را با کمال اختصار جواب داده اند و مجموع آن ۹۹۳ بیت است :

عبدالرحمن جامی در تفحاح الانس ضمن ترجمه حال حسینی گفته (وسئوالات منظوم که شیخ جبستری از آن جواب گفته است و بنای گلشن راز بر آنست نیز از آن ویست ) .

منظومه گلشن راز بدرجه سلیس و روان و مطبوع طبایع عموم واقعه شده که محتاج شرح و بیان نیست و مکرر در تبریز و طهران و بلاد هند بطبع رسیده و مولانا در مقدمه آن مثنوی تفصیل سئوالات حسینی و اجوبه خود را بدین نمط بیان می نماید :

گذشته هفت ده از هفتصد سال ز هجرت نا گهان در مآه شوال  
رسولی با هزاران لطف و احسان رسید از خدمت اهل خراسان  
بزرگی کاندز آنجا هست مشهور باقسام هنر چون چشمه نور

مقصود از بزرك خراسان امیر حسین بن عالم بن ابی الحسین متخلص بحسینی (۷۲۸) است که مرید و خلیفه شیخ الاسلام الاعظم شیخ بهاء الدین زکریاء مولتانى و او هم خلیفه شیخ المشایخ فى العالم شیخ شهاب الدین سهروردی بوده است .  
همه اهل خراسان از که و مه درین عصر از همه گفتند او به

نوشته نامه در باب معنی  
 در آنجا مشکل چند از عبارت  
 بنظم آورده و پرسیده يك يك  
 رسول آن نامه را بر خواند ناگاه  
 در آن مجلس عزیزان جمله حاضر  
 یکی کو بود مرد کار دیده  
 مرا گفتا جوابی گوی در دم  
 بدو گفتم چه حاجت کاین مسائل  
 بلی گفتا ولی بر وفق مسأول  
 پس از الحاح ایشان کردم آغاز  
 يك لحظه میان جمع بسیار  
 کنون از لطف و احسانی که دارند  
 همه داند کاین کس در همه عمر  
 علی الجملة جواب نامه در دم  
 رسول آن نامه را بستند با عزاز  
 دگر باره عزیز کار فرما  
 پی آن تا شود روشن تر اسرار  
 بعون و فضل توفیق خداوند  
 دل از حضرت چون نام نامه درخواست

فرستاده بر ارباب معنی  
 و مشتملهای ارباب اشارت  
 جهانی معنی اندر لفظ انك  
 فتاد احوال او حالی در افواه  
 بدین درویش هر يك گشته ناظر  
 ز ماسد باره این معنی شنیده  
 کن آنجا نفع گیرند اهل عالم  
 نوشته بارها اندر رسائل  
 ز تو منظوم می داریم مأمول  
 جواب نامه در الفاظ ایجاز  
 بگفتم این سخن بی فکر و تکرار  
 ز ما این خورده گیری در گذارند  
 نکرده هیچ قصد گفتن شهر  
 بگفتم یکیک نه بیش و نه کم  
 از آن راهی که آمد باز شد باز  
 مرا گفتا بر آن چیری بیفرا  
 در آمد طودی نطقم بگفتار  
 بگفتم جمله را در ساعتی چند  
 جواب آمد بدل کاین گلشن ماست

مثنوی گلشن راز را جمع کشیری از علماء و فضلا ترجمه ها و تفسیرها

و شرح ها نوشته اند شروع ذیل از جمله آنهاست :

(۱) اوحدی در عرفات العاشقین گفته ( گوهر صلیبی حضرت شیخ شرحی

مختصر برگلشن راز نوشته اما آنچه در آنجا می‌توان یافت در هیچ شرحی (مشروح نیست)

(۲) در روضه اطهار گفته (مولانا جامی وقتی که از سفر حجاز باز گشته به تبیین می‌آید (۸۷۸) گلشن راز مصححی می‌طلبد که شرحی بر آن بنویسد چون شرح شجاع‌الدین کربالی را می‌بیند بسیار تحسین کرده ترك نوشتن می‌کند شجاع‌الدین مرید مولانا هم‌الدین کربالی است) (۱)

(۳) شاه نورالدین نعمه الله ولی (۸۳۴) نیز شرحی برگلشن راز نوشته است (در فهرست کتب وی ذکر شده)

(۴) سید نظام‌الدین محمود واعظ ماقب به داعی‌الی‌الله شیرازی (۸۶۷) نیز شرح مطبوعی برگلشن راز نوشته که بعنوان نسایم گلشن معروفست نسخه از آن در کتابخانه سپهسالار موجود و اولش اینست:

سیاس تنزیه اساس وقواعد ستایش تقدیس آرایش منتظم بنظام اخلاق توحید و متسق بسق تقید تمجید بر حریم جلال و کبریای حضرت احدی و حطیم عز و اعتلاء جناب صمدی در حیز رفع و معرض عرض آورده.

(۵) سید یحیی خلوتی بن سید بهاء‌الدین شروانی که در سال ۸۶۸ در شهر باکو مرده شرحی برگلشن راز نوشته است نسخه از آن در کتابخانه مرادیه «در مغنیا» موجود است. *تال جامع علوم انسانی*

(۶) شمس‌الدین محمد بن یحیی بن علی لاهیجی نوربخش متخلص باسیری «۹۱۲» نیز شرح مبسوطی بعنوان مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز مرقوم فرموده

(۱) کربال بلوکی است از بلوکات فارس و آن در یک منزلی شیراز واقع شده و قریب چهل پاره قریه دارد کرنام رودخانه ایست که در دو جانب آن دهات و مزارع بشکل دو بال واقع شده و بدانجهت آن بلوک را کربال خوانند

و در تاریخ ۸۷۷ فراغت از تألیف آن حاصل کرده است و پس از اتمام نسخه از آن بحضرت جامی ارسال داشته و مشارالیه در تقریظ آن شرح دو بیت ذیل را انشاء کرده و فرستاده است :

- ای فقر تو نوربخش ارباب نیاز خرم ز بهار خاطرت گمشن راز  
یکره نظری بر مس قلم انداز شاید که برم ره بحقیقت ز مجاز
- مولانا لاهیجی القاب حضرت شیخ را در این شرح چنین نوشته اند :
- افتخار العرفاء الحقیقی اختیار الاولیاء الواصلین اکمل المدققین الموحدین -  
الشیخ الکامل نجم الملة والدين محمود التبریزی الشبستری .
- (۷) بابا نعمت الله بن محمود نخجوانی « ۹۰۲ » نیز آن مجموعه را شرح مرغوبی نوشته است و نسخه از آن شرح در کتابخانه حمیدیه دیده ام « استانبول »
- (۸) قاضی حسین میدی متخلص به منطقی « ۹۰۹ » نیز آن مثنوی را شرح کرده است نسخه از آن در کتابخانه حاجی حسین آقای ملک موجود است .
- (۹) ادریس بن حسام الدین بدلیسی مؤلف تاریخ هشت بهشت « ۹۳۰ » نیز آن منظومه را شرح کرده است .
- (۱۰) شاه مظفر الدین علی شیرازی که از طرف شاه طهماسب اول شیخ الاسلام آن شهر بوده است شرح مفصلی بر آن مثنوی نوشته است . « کشف الظنون »
- (۱۱) کمال الدین حسین بن خواجه شرف الدین عبدالحق اردبیلی متخلص به الهی « ۹۴۰ » نیز شرح مفصلی بر آن کتاب نوشته است عبدالله افندی در ریاض العلماء گفته ( واه ایضاً شرح گمشن راز للشیخ الشبستری المشهور فی التصوف بالفارسیه قد رایته فی اردبیل بخطه )
- (۱۲) خواجه معین الدین محمد بن محمود معروف به دهمدار متخلص به فانی « ۱۰۱۶ » یکی از تألیفاتش شرح گمشن راز است

(۱۳) در روضه اطهار می نویسد احمد بن موسی نیز شرحی بر گلشن راز نوشته است .

(۱۴) محمد بن ابراهیم بن محمد علی سبزواری نیز در این اواخر شرحی بر گلشن راز نوشته و آن در طهران چاپ شده است .

مولانا عبدالرحیم خلوتی «۸۵۹» و جلال الدین دوانی «۹۰۸» بعضی از آیات مشکله گلشن راز را شرح و تفسیر کرده اند و ملاحسن فیض «۱۰۹۱» در رساله مشرقیادی با حجة الاشواق الاربعه که مقدمه گذزار و دواوین اربعه اوست اصطلاحات فرقه صوفیه و کلمات مشایخ آن طایفه را شرح و توضیح کرده و شواهد از گلشن راز آورده است و تقریباً خمس منظومه گلشن راز را در این مقدمه انتخاب و قیاس فرموده و چنین گفته اند ( و ما هر یک از الفاظ مجازیه متداوله را که منزه اصولست نسبت بدیگرها بیان کنیم که اشاره بکدام معنی شده است از معانی حقیقت تا کسی را که آشنا با اصطلاح قوم نباشد فی الجمله آشنائی بمعانی آیات از این راه حاصل گردد متدرج و زلف و خال و خط و چشم و لب و شراب و ساق و خرابات و خراباتی و زهر و کفر و ترسائی و بعضی از متعلقات این مذکور است و از برای هر یک استشهادی از آیات گلشن راز بیاوریم )

از آنجاست . پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

**خط** عبارتست از ظهور حقیقت در مظاهر روحانیات چنانچه خط بر رخ دمیده عالم ارواح گرد ذات برآمده چرا که آن عالم قرب مراتب وجود است بحق حل و غز شأنه چنانکه فرموده است :

رخ اینجا مظهر نور خدائی است      مراد از خط جناب کبریائی است  
 رخس خطی کشید اندر نکوئی      که از ما نیست بیرون خوبروئی  
 و چون ظهور حیات اولاً در عالم ارواح است از خط بآب حیوان



تعبیر نمایند .

خط آمد سبزه از عالم جان از آن کردند نامش آب حیوان  
در تذکره هشت بهشت می نویسد (شیخ عبدالله از فرزندان شیخ محمود  
شبستری صاحب گلشن راز که فی الواقع (الولد سرابه) در اوظاهر و انوار فضایل  
و کمالات جد او در او درالطف صورتش باهر است زیرا که او جوانی است  
واصل و کامل و در هر علمی خصوصاً فنون علوم ریاضی ریاضتی تمام کشیده به  
مرتبه که در آن علم علیم گردیده است در سالست و عشرين و تسعمائه از جانب سمرقند  
بدر بار روم آمده و سلطان سلیم بسی تعظیم او نموده و هر روز سی اوچه عثمانی  
علوفه او تعیین کرد و در هر دوماه و یاسه ماه مبلغ پنجهزار آقچه عثمانی باوانعام  
می نمودند و شیخ مشارالیه رساله مثنوی که مسمیست بنام شمع و پروانه و بنام او  
گفته بی نظیر است و معانی دلپذیر دارد و در قواعد معما نیز رساله بزبان پارسی  
تألیف کرده است و از جماعه قصایدش قصیده است که در فتح جزیره رودس گفته  
«۹۲۸» و قصیده دیگر در فصل ربیع و بهار ساخته از آنجاست)

بوصف باغ که چون روی گلرخان رعناست

اگر چه غنچه دهان بسته است گل گویاست

چنان باغ عزیز است مقدم یاران

که چون رسید روان سبزه از زمین برخاست

در آب صاف فتاده است عکس گل گوئی

که عکس آن گل رخساره در تصویر ماست

پسی تار قدوم شه ربیع به باغ

شکوفه گشت درم ریز و باد در یغماست

بنظر نگارنده این شیخ عبدالله همانست که فاضل معروف طاش کبری

زاده در کتاب الثقات العمانية اورا بعنوان ابن الشيخ الشبستری ذکر کرده و چنین گفته است :

ومنهم ( ای من علماء دولة سلطان سلیمان خان ) العالم الفاضل المولی المشهور بابن شیخ الشبستری وقد اشتهر ببنده الکنیه ولم يعرف اسمه وكان رحمة الله من بلاد العجم قرء علی علمائها وتمهر فی علوم العربیه والعقلیه ثم اتی بلاد الروم وعینہ سلطان سلیم خان کل یوم ثلثین درهما ومات فی اوائل سلطنة سلطانتنا الاعظم « سلطان سلیمان خان » سلمه الله وابقاه و عمل قصیده بالفارسیه مقدارها ستین بیتاً کان احد مصراعی کل بیت تاریخاً لجلوس سلطانتنا الاعظم ادام الله ایامه علی سریر السلطنة « ۹۲۶ » وکان مصراع الاخر تاریخاً لفتح قلعة رودس « ۹۲۸ » وله حواش علی حاشیه شرح التجرید للسید الشریف وایضاً له حواش علی حاشیه شرح المطالع للسید الشریف وصنف رساله بالفارسیه فی المعنی وجعل امثله قواعد کلها علی اسم السلطان سلیم خان وسمعت ان له شرحاً للکافی لکنی ام اطالع علیه کان روح شاماً جمیل الصورة طویل القامه کریم الاخلاق سلیم الطبع قوی الذهن و کان حسن السجده لیل الجانب بعیداً عن التکلف وکان متواضعاً متخشعاً متحییاً الی الاخوان نور الله مرقدہ ووفی غرف جنازه ارقده .

### ﴿عزم و اراده در زندگی﴾

زکار کردن آنکس که تنک دارد و عاز

زچشم دهر بیفتد چو اشک و گردد خوار

بزد گانی اگر عزم آهنین داری

بزیر پا شودت کوه چون زمین هموار

نسیم - وحیدزاده